

# An Attempt to Comprehend the Positions Taken by the Experts of the 1358 Constitution Regarding the Economic System: A Comparative Study of Islamic State Controlled and Free Market Economic Systems

 Ali Daraee

Master of Public Law, University of Tabriz  
Tabriz, Iran, Ali66.daraee93@gmail.com

 Ali Mashhadi

Associate Professor, Department of Public and  
International Law, Qom University, Qom, Iran  
droitenviro@gmail.com

 Mohammad Amraei

lecturer at Shahid Chamran University of Ahvaz, of  
Ahvaz, Iran, mo.amraei@gmail.com

Received: 2024-03-09

Accepted: 2024-04-23

## Abstract

Economic systems, from the perspective of legal origin, are generally of two kinds or a combination of these two; the free market or private ownership system or state-controlled or public ownership system. But the drafters of the 1358 Constitution, speak of a third type of economic system called the Islamic economy. An attempt has been made in the present research, to examine and analyze with an analytical-descriptive approach, the various viewpoints of the drafters of the Constitution regarding these three types of economic systems within the framework of the principles of the Constitution. The main question in the present research is what the experts who played a role in drafting the Constitution thought concerning the economic system of the country and the rules governing it. It seems that free economic competition and private economic freedoms have been minimally accepted by the Council of Experts under the auspices of the government and of Islam.

Journal of Research and  
Development in Comparative  
Law

Iranian Law and Legal Research  
Institute

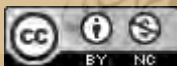
Vol. 7 | No. 23 | summer 2024  
(Original Article)

[www.jcl.illrc.ac.ir](http://www.jcl.illrc.ac.ir)

DOI:  
10.22034/law.2024.2024585.1299

Moreover, the main discourse governing the Assembly of Experts of that period was a type of state-controlled or public ownership economy that was combined also with a form of revolutionary-Islamic economy. For this reason, authors, using the method of genetic interpretation, have called the economic system intended by experts drafting the Constitution as a public ownership system. Economic systems, Socialist economic, private economic, Islamic economic system. The results of this study revealed that, the inference that can be drawn from the discussions of the Assembly of Experts and also the final ratified principles (especially the current Article 44) is that free economic competition and private economic freedoms were minimally accepted within the founding institution. Second, at times, the goals and foundations present in individualistic or collectivist economic systems were expressed differently by the Assembly of Experts; however, they negated these economic systems in their entirety. Third, it can be deduced from the overall discourse of the constitutional legislators that there was no unified, precise, consistent, and clear theory of the concept of an Islamic economy in the Assembly of Experts, and even the term "Islamic economy" was not used in the text of the Constitution. They often confined themselves to mentioning general viewpoints regarding Islamic economy or discussed the economy in Islam or the Islamization of the economy. Fourth, the content of the Constitution should be organized in such a way that by stating fundamental rules and rights, it has the function of being up-to-date and adaptable to customary and contemporary situations and conditions. This is particularly applicable concerning the economic principles of the Constitution.

**Keywords:** *Islamic collectivist economy, Assembly of Experts drafting the Constitution, details of negotiations, economic systems.*



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

## تأملی بر فهم مواضع خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ از نظام اقتصادی: مطالعه تطبیقی نظام‌های اقتصادی اسلامی، جمع‌گرا و خصوصی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز، تبریز،  
ایران (نویسنده مسئول) ali66.daraee93@gmail.com

علی دارایی ID

دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران  
droitenviro@gmail.com

علی مشهدی ID

دکتری تخصصی و مدرس دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
mo.amraei@gmail.com

محمد امرایی ID

### چکیده

از منظر منشأ پیدایش تقنینی، نظام‌های اقتصادی به‌طور کلی اغلب دو گونه‌اند یا ترکیبی از این دو هستند: اقتصاد خصوصی یا فردگرایانه و اقتصاد دولتی یا جمع‌گرایانه. اما در قوه مؤسس ۱۳۵۸ مقننان اساسی از نوع سوم نظام اقتصادی بنام اقتصاد اسلامی سخن گفتند. در تحقیق حاضر، با رویکرد تحلیلی-توصیفی سعی شده است تا نگاه‌های گوناگون قانون‌گذاران اساسی در مورد این سه گونه نظام اقتصادی در چارچوب اصول قانون اساسی مورد واکاوی و تحلیل قرار داده شود. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که خبرگان قانون اساسی چه اندیشه‌ای نسبت به نظام اقتصادی کشور و قواعد حاکم بر آن داشتند؟

به نظر می‌رسد، رقابت آزاد اقتصادی و آزادی‌های خصوصی اقتصادی به طور حداقلی آن هم در سایه دولت و اسلام در نهاد مؤسس مورد پذیرش واقع شده است. همچنین گفتمان اصلی حاکم بر مجلس خبرگان آن دوره، گونه‌ای از اقتصاد دولتی و جمع‌گرایانه بود که با اقتصاد انقلابی-اسلامی نیز تلفیق شده بود. به همین علت نویسندگان با روش تفسیر ژنتیک، نظام اقتصادی موردنظر خبرگان قانون اساسی را نظام اقتصادی جمع‌گرای اسلامی نامیده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد جمع‌گرای اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، مشروح مذاکرات، نظام‌های اقتصادی.



Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

پیدایش نظام‌های اقتصادی در چارچوب حقوق اساسی، عمدتاً متأثر از دیدگاه‌ها و باورهای تقنین‌گران اساسی آنهاست. بادقت در قوانین اساسی کشورها می‌توان در «قالب تحلیل اقتصادی قانون اساسی» به برخی از آنها دست‌یافت. (آقایی طوق، ۱۳۹۴: ۶۸). اولین قانون اساسی ایران که در دوره مشروطه ۱۲۸۵ توسط معتقدان نظام مشروطه تنظیم و تدوین شد، مواضعی متفاوت از مقننان اساسی ۱۳۵۸ به نظام اقتصادی داشت. برخی از محققان اقتصادی، براین باورند که اندیشه حاکم بر اصول اقتصادی متمم قانون اساسی مشروطه و نیز روشنفکران عصر مشروطه اقتصاد آزاد بوده است (غنی نژاد، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۱). در حقیقت، نظام اقتصادی خاصی در متمم قانون اساسی مشروطه پی‌ریزی و تجویز نشده بود و به جز اصول مربوط به تعیین قواعد و چارچوب مالیات، بودجه و دیوان محاسبات اصولی که مبین نوع نظام اقتصادی باشد، یافت نمی‌شود.

در راستای تشریح مفهومی پژوهش، گذری بر کلیات نظری سه‌نظام اقتصادی: خصوصی، دولتی و اسلامی بی‌فایده نخواهد بود. نظام اقتصادی خصوصی اصل را بر عدم مداخله دولت و جامعه در حقوق اقتصادی فرد قرار داده و حقوق ویژه‌ای برای افراد در دستیابی به ثروت و انجام کار اقتصادی قائل است. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۳۰). با وجود این، پیوند منطقی ضروری میان لیبرالیسم در معنای کلی آن با سرمایه‌داری وجود ندارد؛ اما برای تحقق آزادی اقتصادی و حتی سیاسی پسینی، مالکیت خصوصی برای تسلط بر دارایی و اموال شخصی معیاری لازم و اساسی به حساب می‌آید. (بشیریه، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۴) در طرف مقابل، نظام اقتصادی دولتی یا جمع‌گرا به حضور حداکثری و ملموس دولت در عرصه اقتصاد باور دارد و افزون بر توجه به حقوق فقرا و افراد در معرض ستم، به حقوق اقتصادی فرد در چهارچوب حقوق جامعه و عدالت اجتماعی باور دارد. (رحمت‌اللهی و موالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۲ و رستمی و قهوه چیان، ۱۴۰۱: ۶۰-۵۳) اقتصاد اسلامی نیز، درعین حال که اشتراکی با بعضی از مبانی اقتصاد جمع‌گرا یا خصوصی دارد و به عدالت اجتماعی و حقوق فقرا توجه فراوانی دارد؛ اما بر پایه اصول و مقررات اسلام استوار است. در حقیقت،

پایه و ساختار اسلام در صدر عرصه اقتصاد قرار دارد، گرچه پاره‌ای از مفاهیم دو نظام فوق را رد نمی‌کند. (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۲۴-۲۲۳ و ۱۴۲)

قانون اساسی پیشنهادی ۱۳۵۸، با بیش از یکصد و هفتاد اصل به موضوعات متعدد و متکثری درباره روابط دولت و ملت پرداخته بود. چند اصل از این پیش نویس به اصول اقتصادی اختصاص داده شده بود. در مقدمه قانون اساسی نیز نکات مهمی از الگوی اقتصادی مد نظر نظام نوپا ذکر شد و به صراحت ذکر گردید که «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای... اقتصادی جامعه ایران... می باشد» از همین رو، خبرگان قانون اساسی در راستای تاسیس بنیان اقتصاد کشور بارها با تأکید می‌گفتند که «بایستی نظام اقتصادی جدیدی تأسیس کنیم. در واقع بایستی اصول تازه اقتصادی بیاوریم و به اصول اقتصادی‌ای نپردازیم که در نظام سابق بوده است و تداوم آن باشد. زیرا باید انقلابی عمل کنیم و این اصول اقتصادی جدید نباید استخوان‌بندی نظام سابق را داشته باشد.» با این حال، برخی از مقننان اساسی اعتقاد داشتند که نمایندگان به اصطلاحات اقتصادی آشنایی ندارند. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۵۱-۱۵۵۰)

تأمل در دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی در زمینه بنیادهای اقتصادی کشور هدف اصلی پژوهش حاضر است. این پژوهش با تمسک به روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌های نظری به سبک کتابخانه‌ای، قصد دارد با واری کردن مذاکرات خبرگان قانون اساسی به نظام اقتصادی حاکم بر قانون اساسی دست یابد. بر این پایه، گفتارهای خبرگان با هر یک از مبانی نظام‌های اقتصادی فوق، اصول مرتبط اقتصادی قانون اساسی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سؤال اصلی در تحقیق پیش رو این است که گفتمان و فرهنگ غالب در مجلس خبرگان قانون اساسی ۱۳۵۸ با کدامیک از نظریه‌های فوق منطبق بود؟ و وزن کدامیک از این تئوری‌های اقتصادی در مجلس سنگین‌تر بود؟ و در نهایت اصول اقتصادی قانون اساسی سازگار با کدامیک از نظام‌های اقتصادی مذکور است؟ آیا روح حاکم بر قانون اساسی که در گفتمان اصلی خبرگان قانون اساسی متجلی بود، متمایل و منطبق بر نظام اقتصادی بازار آزاد یا دولتی یا اسلامی است یا تلفیقی از هر دو یا سه نظام اقتصادی؟ یا

اینکه مقننان اساسی گونه‌ای جدید از نظام اقتصادی را بنیان‌گذاری نمودند؟ این پرسش آنجا اهمیت دارد که بدانیم، مطابق مصوبه خبرگان، کلیه قوانین و مقررات بایستی منطبق بر دین اسلام و شرع باشند.

در مباحث تفسیر حقوق عمومی به‌ویژه تفسیر متن قانون اساسی به هنگام تحلیل یک متن، از روش‌های تفسیر گوناگونی استفاده می‌شود. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها که بسیار با این پژوهش مرتبط می‌نماید، روش تفسیر ژنتیک است. در این نوع روش، برای فهم مقصود مقنن به کشف اراده او در متونی که منتهی به تصویب قانون شده، مراجعه و واکاوی می‌شود. در این شیوه تفسیر، به اصطلاحات خاصی که قانون‌گذار اساسی مراد می‌کرده، رجوع می‌گردد و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. (بابایی مهر، ۱۳۸۸: ۱۸۲) بی‌شک مهم‌ترین منبع برای تفسیر مراد قانون‌گذار اساسی، مشروح مذاکراتی است که به تصویب اصول قانون اساسی منجر شده. در این پژوهش، نویسندگان با به‌کارگیری روش ژنتیک به مقصود و مراد خبرگان قانون اساسی از انواع نظام‌های اقتصادی خصوصی، جمع‌گرا و اسلامی و مهم‌تر نوع نظام اقتصادی موردنظر آنان دست یافته‌اند.

در زمینه بررسی و نقد علمی مذاکرات قانون‌گذاران اساسی در عرصه اندیشه‌های اقتصادی دولتی و آزاد و اسلامی و مبانی فکری و اجتماعی شکل‌گیری اصول اقتصادی مرتبط با آن‌ها چند مقاله و کتاب تحقیقی منتشر شده است. قفلی قسمتی از کتاب خود در مورد مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران را به جنبه عاریتی بودن نظام اقتصادی کشور مستند به گفتگوهای مقننان اساسی اختصاص داد است. (قفلی، ۱۳۸۶: ۷۱۶-۷۱۵) جعفری صمیمی و دیگران تحقیقی تطبیقی در خصوص الگوی اقتصادی قانون اساسی و الگوی اقتصادی دولت‌رفاه به منصف ظهور رسانده‌اند. (جعفری صمیمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹) پیله‌فروش با قرائتی ارزش‌گرایانه الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی را تأمین نیازهای اساسی در جهت نیل به انسان کامل دانسته است. (پیله‌فروش، ۱۳۹۴: ۵) یوسفی بر اساس تحلیلی متفاوت و خاص ساختار حقوقی نظام اقتصادی ایران را به‌نظام سرمایه‌داری سوق داده است. (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۸۴) کدخدایی و عباسیان ضمن تأکید

بر نمود عدالت اقتصادی و کارایی اقتصاد در قانون اساسی و مشروح مذاکرات آن، معضل اصلی را در قوانین عادی دانسته‌اند. (کدخدایی و عباسیان، ۱۳۹۹: ۱۸) با وجود این تحقیقات، تحقیق همه‌جانبه‌ای که از طریق سراسرخوانی کلیه قرائت‌های موجود در قوه مؤسس ۱۳۵۸ را منطبق بر تئوری‌های سه نوع نظام اقتصادی رایج موجود تحلیل کند، تاکنون انجام نگرفته است و همین مهم مورد عنایت این مقاله است. همچنین جنبه دیگر اهمیت پژوهش حاضر در راستای مفهوم اقتصادی قانون اساسی است. بدین معنا که اگر اصول و ارزش‌های بنیادین حقوق اساسی در حقوق مالی گنجانده و جاری شود، موجب تضمین و صیانت از حقوق بنیادین مالی افراد می‌گردد. در واقع، مطالعه تحقیق پیش رو، ما را در خصوص امکان یا عدم امکان تحقق این مفهوم از منظر خبرگان قانون اساسی رهنمون می‌شود.

## ۱. ارکان نظام اقتصادی خصوصی

گرچه عده‌ای از سنت‌گرایان و برخی از مکاتب فکری به طور نسبی به اقتصاد آزاد باور دارند، لکن آنچه موسوم به اقتصاد آزاد یا فردگرا یا بازار آزاد، به مفهوم اخص، می‌باشد در مکتب فکری لیبرالیسم پرورش یافته است. در حقیقت، بخشی از محتوای نظری لیبرالیسم افزون بر محتوای فلسفی و سیاسی آن، توسط تئوری پردازان این مکتب به آزادی اقتصادی اختصاص داده شده. با این حال، پیوندی ناگسستنی میان حاکمیت قانون و اقتصاد آزاد و مالکیت فرد وجود دارد. ایده ابتدایی حاکمیت قانون در خلال آرا و تفاسیر آزادی خواهانه مطرح شده است. این پدیده بر این مبنا بنیان گذاشته شده بود که حکومت بایستی از ورود به عرصه‌های حیات انسانی اجتناب ورزد و تنها به رتق و فتق امور و مسائل ضروری و کلی جامعه بپردازد. به‌ویژه دولت بایست حوزه اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی را در اختیار صاحبان این صنف بسپارد و اجازه دهد، روال امور اقتصادی به طور خودکار و خصوصی طی شود. بر این اساس، از کارکردهای حاکمیت قانون (متأثر از تأکید بر حقوق فردی و اجتماعی و تحدید ارکان قدرت در برداشت ماهوی و شکلی آن) هموارشدن شرایطی است که به فعالان اقتصادی فرصت رقابت آزادانه را می‌دهد. به همین علت، حکومت قانون به



طور عادلانه و بی طرفانه بر اقدامات اقتصادی بستر رقابت را ایجاد می کند و امکان نمود آن را می دهد. به این نشان که تمامی سرمایه گذاران زمینه انجام فعالیت های اقتصادی را برابانه مهیا می بینند و بی عدالتی در نظامی که ملتزم به حاکمیت قانون شده است، جایگاه و ارزشی ندارد؛ بنابراین، منابع و امکانات اقتصادی و مالی در اختیار انحصاری دولت یا عده ای ویژه گذاشته نمی شود و به اشخاص و گروه های مشابه اختصاص نمی یابد. (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۲۰۰)

در منظومه فکری لیبرال ها حق مالکیت که مقدمه فعالیت اقتصادی فرد است، آن قدر مسلم است که حتی موکول به موافقت قانون سیاسی و تشکیل جامعه نیست. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۳۰) بر این اساس، نظام اقتصادی لیبرالی یا فردگرا حقوق ویژه ای برای افراد در دستیابی به ثروت و انجام کار اقتصادی قائل است. پاره ای از لیبرال های کلاسیک اعتقاد دارند که گرچه وجود دولت بد است لکن وجودش به طور حداقلی لازم است. در این راستا آنان با تأکید بر تفکیک حوزه دولت از حوزه فرد، تلاش داشتند قدرت مطلق را مشروط و تضعیف و از حقوق و قدرت فرد در مقابل آن حمایت و تقویت نمایند. گرچه این نظریه با بیان نظرات دولت رفاه و جامعه گرا و عملی شدن این آرا در کشورها - یعنی دخالت حکومت ها در بعضی از مسائل و مشکلات جامعه به سبب توانایی او و به طور نسبی دگرگون شد - اما قاعده عدم مداخله دولت به قوت خود ماندگار شده است.

## ۲. تشریح دیدگاه های خبرگان قانون اساسی متمایل به اقتصاد فردگرا

عده معدودی از مقننان اساسی که بیشتر در زمره فقه های سنت گرای متمایل به بازار قرار داشتند، سخنانی ابراز نمودند که تلویحاً یا نتیجتاً می تواند اهداف و خصوصیات نظام اقتصادی فردگرا را برآورده سازد. به همین سبب، در این بخش نظرات خبرگانی که متمایل به اقتصاد فردگرا هستند یا علاوه بر گرایش به بخش خصوصی، گرایش به اقتصاد اسلامی یا جمع گرا دارند یا ناخواسته بیان می کنند، مورد بررسی قرار می گیرد.

میرمراذهی در زمره خبرگانی است که از سکوت مسئله مالکیت خصوصی یا شخصی در پیش نویس اصل ۱۲۷ سخن گفت. گرچه سبحانی پاسخ داد: در سایر اصول اقتصادی این

مسئله ذکر می‌شود، اما تا پایان مذاکرات سخنی بدان اختصاص نیافت. اختلافات عقیدتی بر سر تعلق اقتصاد به دولت و ملت میان بهشتی و موسوی تبریزی نیز وجود داشته است. موسوی تبریزی در پاسخ به نظر بهشتی که اقتصاد را متعلق به ملت می‌دانست، گفت: اگر اقتصاد مال ملت است بدهید به خودش. زیرا تلویحاً معتقد بود، این نوع اقتصاد، اقتصاد را در دست دولت متمرکز می‌کند. لکن بهشتی با ابراز سخنانی با محتوای شبه سوسیالیستی (برخلاف برداشت برخی از خبرگان) نظیر امکان مدیریت دولت در اقتصاد بر اساس مالکیت، بر این باور بود که «مدیریت شورایی کارگاه‌ها خود عدم تمرکز است و (از این طریق) اعمال قدرت نمی‌شود و کار را به مردم می‌سپارد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۶)

در بخشی از مذاکرات سبحانی نماینده‌ای است که دیدگاه‌هایی در راستای حمایت از بخش خصوصی بیان کرد. وی بر این باور بود که اگر این اصل تصویب بشود، تمام کارخانه‌هایی که مشغول کار هستند، دچار انحطاط و اضمحلال می‌شوند؛ چون کارگران خواستار تأمین وسایل کار می‌شوند و تجمع می‌کنند و می‌گویند برای دیگران نمی‌خواهیم کار کنیم و خودمان صاحب کارخانه و سهم و صنعت می‌شویم. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۵۱-۲/۱۴۵۰) بنی‌صدر که اغلب مواقع از نظام اقتصادی جمع‌گرا حمایت می‌نمود، در حمایت از حق سود کارگران سخن گفت. زیرا با عنایت به نظارت حکومت اسلامی می‌توان نرخ سود را جوری تقسیم کرد و بر آن تمرکز کرد که کارگر به حقیقت برسد. وی ادامه داد: ای بسا ابزار کار دست کارگر باشد و بدبختتر بشود و ای بسا ابزار دستش نباشد و خوشبخت‌تر بشود. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۵۶) منتظری نیز در نقد اصل مذکور گفت: «با این اصل دولت یک سرمایه‌دار می‌شود و تمام کارهای خصوصی از بین می‌رود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۵۹-۲/۱۴۵۸) ربانی نیز با اشاره به برهم‌ریختن بخش دولتی و تعاونی می‌گوید: «تصویب اصل مذکور سبب‌ساز به هم‌ریزی بخش خصوصی می‌شود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۶۰) موسوی اردبیلی به درستی علت مخالفت برخی از نمایندگان را انحلال بخش خصوصی مالکیت بزرگ دولت با تصویب این اصل

دانست و به اجمال پیشنهاد کرد: «در صورتی که تملیک ابرار باشد به صورت اقساط منظور آقایان تأمین خواهد شد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۶۱) مسئله‌ای که گرچه با افزودن قید «نه به صورتی که دولت را به صورت مالک بزرگ درآورد» به طور نسبی حل شد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۶۲)

اصل پیشنهادی ۱۲۷/۲ که حاوی بازگرداندن ثروت‌های نامشروع به بیت‌المال بود، با نقد مکارم شیرازی مواجه شد. زیرا مطابق توصیفات وی موجب هرج و مرج و سوءاستفاده در روستاها می‌شود و ممکن است هتک حرمت به ثروتمندان گردد. به گمان وی، فردا در دهات می‌گویند بایستی اموال حرام را برگردانید و مردان به جان هم می‌افتند. ضیایی نیز در همین راستا، پرسشی از نائب‌رئیس پرسید که آیا ثروت به ثروتمندان از طریق نظام بانکی که مبتنی بر ربا بوده، باز می‌گردد؟ ایشان پرسش وی را منوط به تصویب قانون عادی کرد و جواب او را ناتمام گذاشت. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۱۶-۲/۱۵۱۵)

طرح اصل ۱۲۷/۴ باعث شد، منتظری از این اصل بدین سبب که بخش خصوصی منحل می‌شود، انتقاد کند. ایشان اصل مذکور را موجب تمرکز بخش کشاورزی و دامداری در دست دولت دانست. وی اصل مزبور را سبب‌ساز سوسیالیست شدن تلقی کرد و از اینکه دولت موظف شده است تا انفال و ثروت‌های عمومی به صورت تعاونی درآورد، ناراضی بود. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۴/۲-۱۵۳۳) این موضوع با برداشت متفاوت سید محمد خامنه‌ای به عنوان کلخوز و سالخوز ابراز شد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۶/۲). موسوی تبریزی از جمله خبرگانی است که به طور مکرر از مالکیت خصوصی دفاع کرد. به باور ایشان: «مالکیت خصوصی در اسلام حدودی ندارد اما در این اصل حدود برای بخش خصوصی قائل شده‌اند و با منتهی که می‌خواهید بر سرش بگذارید، موردی برایش پیدا نمی‌کنید. ایشان در نزاعی فکری با حجتی کرمانی که اعتقاد داشت، نظام سرمایه‌داری در جمهوری اسلامی ملغی یا محکوم شود، گفت: «اگر نوشته شود، مالکیت ملغاست شما راضی می‌شوید؟» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۳۷) یزدی با درجاتی پایین‌تر از موسوی تبریزی با اتخاذ موضعی دوگانه (دولتی و خصوصی) تجارت بزرگ

خارجی توسط بخش خصوصی را در کنار دولت به رسمیت شناخت. برخی هم بخش خصوصی را، در صورت برهم زدن نظام اقتصادی اسلام، محق به فعالیت انگاشتند. پرورش نیز با اتخاذ رویکردی دوگانه (جمع‌گرا و فردگرا) از تمرکز مالکیت عمومی در دست دولت انتقاد کرد و مانع اصل عدم تمرکز دانست. اما وی از سوی دیگر، فعالیت بخش خصوصی را مشروط به این کرد که استقلال کشور را به خطر نیندازند. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۸/۲-۱۵۳۷) بشارت مشابه مواضع مقننان اخیر فعالیت بخش خصوصی را با تصویب رهبر علاوه بر فیود مذکور در اصل مجاز دانست. وی با اشاره به اینکه هرکس مالک کار خویش است، گفت: «فردا تعاونی دست سرمایه‌داران می‌افتد و از آن بهره‌برداری می‌کنند.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۴۳) همچنین، به باور حجتی کرمانی مالکیت خصوصی آن‌گونه که در اسلام است، در این اصل می‌آوریم. در عین حال وی سرمایه‌داری را نیز محکوم نمود. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۵۰)

از معدود اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی که نگرانی نسبت به انحصار اقتصاد و فعالیت‌های شغلی افراد داشت، دانش‌راد بود. وی این اصل را دارای جنبه منفی می‌دانست. چون به باور وی چنین نگرش مثل نظام سابق منجر به انحصار بعضی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود و به همین سبب کشور به مشکلاتی فراوانی بر می‌خورد. با وجود بیان این اشکال وارد و دقیق و ظریف، شهید بهشتی گفت: «اگر این اصل درست اجرا شود مشکل ایجاد نمی‌کند و با خوب پیاده شدن آن است که مفید خواهد بود و با وجود تکرار نگرانی دانش‌راد به علت چربش جنبه منفی نظم اجرایی قانون، نایب رئیس ابراز امیدواری کرد که انحصاری در فعالیت‌های اقتصادی به وجود نیاید.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱/۷۳۵) در واقع، بهشتی با موافقت با اصل مذکور، نوعی نگاه تعدیلی بدان داشته و باور حداکثری به انحصار و دخالت در شغل افراد نداشته است.

در هنگام مذاکره بر سر اصل ۱۲۷/۴ برخی مقننان نظیر نایب رئیس، با باور به اسلامی بودن کار اقتصادی، معتقد بودند که این اصل نباید آزادی اقتصادی افراد را محدود کند. گرچه به عقیده ایشان و عده‌ای دیگر، نظام اقتصادی ما جدید است. نه سوسیالیسم و نه

مارکسیسم. بلکه اسلامی یا از نوع سوم است. با وجود این تفاسیر، برخی دیگر بر این باور بودند که با واگذاری مشاغل بزرگ به دولت برای بخش خصوصی چیزی باقی نمی ماند و حتی ممکن است بخش خصوصی از بین برود و دولت با تسلط بر اقتصاد به یک سوسیالیست تبدیل شود. (حفکو، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۱) گرچه اصل فوق اختلاف نظرهای عقیدتی بین نمایندگان داشت و راهکارهای مسائل این اصل ارائه نشد اما با پنجاه رأی موافق و شش ممتنع و ده مخالف به تصویب رسید (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

### ۳. برآیند و تطبیق برداشت‌های مقننان اساسی از اقتصاد خصوصی

با وجود این آراء، با عنایت به گفتمان اصلی (انقلابی - اسلامی) حاکم بر مجلس خبرگان قانون اساسی، اگر تأیید و تصویب اصولی نظیر: احترام به مالکیت مشروع و مالکیت هر کس بر حاصل کسب و کار خویش (که هماهنگ با اقتصاد آزاد است) در مشروح مذاکرات مشاهده می کنیم، بیانگر تأیید مستقیم و صریح عدم مداخله حداکثری دولت در اقتصاد و آزادی اقتصادی نیست. قید و تصویب آن‌ها به تأیید پیشینی این اصول در اسلام و فقه باز می گردد. بر این مبنا، هرچند که مواضع این دسته از خبرگان اساسی در مخالفت با دیدگاه‌های اقتصاد جمع گرا و دولتی بود لکن وجود اصول مذکور را نمی توان به تأیید آزادی در فعالیت اقتصادی - به معنایی که در تئوری‌های اقتصاد خصوصی وجود دارد، تعبیر کرد و پذیرش این قواعد ناشی از تأیید پیشینی این اصول در دین اسلام و فقه شیعه و نیز باور به سنت گرایی و محافظه کاری اجتماعی سابق، دلیل اصلی تصویب آن‌ها در قانون اساسی بوده است، هرچند که نتیجتاً ممکن است در مواردی منجر به تحقق اهداف اقتصاد فردگرا هم شود.

### ۴. ارکان نظام اقتصادی جمع گرا و دولتی

رکن رکن نظام اقتصادی جمع گرا و دولتی توجه ویژه به تأمین نیازهای اقتصادی و مالی مردم از ناحیه دولت است، به گونه‌ای که دولت بتواند همه نیازهای مذکور را به طور حداکثری فراهم کند. زیرا بنیان گذاران این دیدگاه بر این باورند که انسان‌ها نیازها و غرایز

فطری ندارند و هرآنچه از خود بروز می‌دهند جامعه به آنان اعطا نموده است. (شریف‌آزاده، ۱۳۶۹: ۲۴) چنین رویکردی به انسان و جامعه باعث می‌شود که نهادهای دولتی به طور حداکثری مسئولیت رفاه جامعه را برعهده داشته باشند و تکالیف سنگینی را بر خویش بار نمایند.

در این نظام توجه بسیار به اقشار زحمت‌کش و آسیب‌پذیر نظیر کارگران و زنان و کودکان بسیار بالاست و صاحب‌نظران این نظام می‌کوشند از طریق امتیازدادن به این قبیل اقشار آنان را توانمند سازند. همچنین، نظام اقتصادی جمع‌گرا تأمین نیازهای جمع را مقدم بر نیازهای فرد می‌داند و دید اشتراکی به مالکیت افراد و نه مالکیت مجزای فرد دارد. در این نظام رقابت به نزاع میان آدمیان می‌انجامد. زیرا به همیاری و جمعی شدن انسان‌ها باورمند است. این نظام در پی آن است با تأمین حداکثری نیازمندی‌های اقتصادی جامعه توسط حکومت به افراد برابری و سعادت ببخشد. (عدالت‌جو و حسن‌زاده بنام، ۱۳۹۵: ۵ و ۶)

##### ۵. ارزیابی و تبیین دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی درباره اقتصاد جمع‌گرا

اندیشه جمع‌گرا به مفهوم کلان آن آثار مشخصی بر قوانین اساسی می‌گذارد. آثاری نظیر آرمان‌شهرگرایی (به معنای نیل به جامعه کامل به همراه صبغه توده‌گرایانه)، تمایل به تمرکزگرایی و استفاده ابزاری از آزادی‌های فردی یا تعیین حدود آن‌ها در چهارچوب ارزش‌های جمع‌گرا یا ایدئولوژی‌های ارزشی دارد. (رحمت‌اللهی و موالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۹۴) دیدگاه اکثر خبرگان قانون اساسی به نوع نظام اقتصادی، جمع‌گرا و دولتی است، گرچه تعداد قابل‌توجهی آن را رد نمودند. بعضی از تحقیقات، اصول اقتصادی قانون اساسی کنونی نظیر اصل ۴۴ را، عیناً از پیشنهادات حزب توده (با گرایش‌های سوسیالیستی) برشمرده‌اند. (گرچی، ۱۳۹۳: ۵۸) از شواهد و مستندات تصویب اصل ۴۴ کنونی که گرایش‌های شبه سوسیالیستی و رسمیت اقتصاد عظیم دولتی در آن هویداست، بند نخست هفت ماده پیشنهادی حزب توده در ۱۳۵۸ به ریاست دولت موقت هنگام وضع قانون اساسی در خصوص پیش‌نویس قانون اساسی است.

بند یک پیشنهادهای فوق بدین صورت نگارش شده بود: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی و برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار دارد. (مجموعه بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های حزب توده ایران، روزنامه مردم، ۲/۴/۱۳۵۸: ۲)

همان‌طور که آشکار است، این بند در قسمت نخست اصل ۴۴ کنونی تبلور یافته است. حزبی که گرایش‌های سوسیالیستی و مارکسیستی‌اش را کاملاً بی‌پرده بیان می‌کرد. گواه دیگر، گفته‌های مکارم شیرازی است. بر مبنای اظهارات ایشان، قبلاً این متن نوشته شد و بعد آقای دکتر بهشتی متن دیگری تهیه کرد و بعد هر دو باهم تلفیق شد و بعد نتیجه برای همه خوانده شد. وی ادامه داد: «بعد از تلفیق هر دو متن با خط ربانی املشی پاک‌نویس شد و به دبیرخانه داده شد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۶۶)

نگرش جمع‌گرایانه عده قابل توجهی از خبرگان قانون اساسی نیز در اصل ۱۲۹ پیشنهادی تبلور یافت. اصلی که نهایتاً به شکلی دیگر اما با محتوا و مفهوم همین اصل تصویب شد. مطابق این اصل، دادن هرگونه امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، کشاورزی و معادن به خارجی‌ها ممنوع است مگر به حکم ضرورت یا تصویب مجلس شورای ملی. روشن است که این اصل در راستای عدم سلطه و وابستگی و استثمار توسط خارجی‌ها بر ایرانیان نگاشته شده بود. با این حال، گل‌زاده غفوری معتقد بود، مطلقاً نباید به بیگانگان امتیاز داده شود و استثنا نیز باید حذف گردد. زیرا احاد جامعه محروم می‌شود. ایشان استثمار بین‌المللی را به صورت تحمیل خارجی که سابقاً محقق می‌شد، نمی‌دانست بلکه می‌گفت: الان از طریق شرکت‌های چندملیتی عمل می‌شود، حتی توسط ایادی داخلی. «مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۹۳ و ۱۴۹۱/۲) لکن برخی از خبرگان همچون عضدی اعتقاد داشتند که: «ما اکنون از نظر تکنولوژی به بعضی دولت‌های خارجی احتیاج داریم.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۹۳/۲) بنی‌صدر هم نظیر عضدی گفت: «باید واقع‌بین باشیم ... و هر امتیازی موجب سلطه نیست ... و امتیاز ضدسلطه نیز فراوان است.» در ادامه با رویکردی مداراگرایانه تأکید کرد که «ما بایستی با مسلمانان دنیا و مستضعفان جهان روابط اقتصادی داشته باشیم. اشخاص صاحب‌فن و آزاده در غرب هم

هست که ما با اینان قرارداد داشته باشیم.» با وجود این دیدگاه‌ها وی با نگرشی شبه سوسیالیستی معتقد بود: «این اصل علیه سلطه است و برای حفظ استقلال مجموع کشورهای اسلامی و مستضعف دنیاست.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۹۴) مکارم شیرازی نیز در پاسخ به نقد مخالفان گفت: این موضوع (عدم اعطای امتیاز) انحصار نیست بلکه امتیاز است. اما این انحصار است که برخلاف شرع است. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۹۷) احتمالاً ناشی از گرایش پرننگ جمع‌گرا در اندیشه خبرگان قانون اساسی بود که پیشنهاد موسوی اردبیلی، درباره اصل ده پیش‌نویس (نظام خانواده) به دور از قواعد نظام اقتصادی فردگرا نمود یافت. وی بر این باور است که قواعد و مقررات و نتیجتاً تقسیم درآمد و توزیع ثروت باید به نحوی باشد که باعث نشود، زن خانواده خود را رها کند و جذب بازار کار و صنعت شود. چون در جوامع ماشینی (صنعتی در غرب) چنین زندگی رایج است. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۴۴۱-۱/۴۴۰) در حقیقت، گرچه ایشان معتقد نیست که زن نباید اساساً کار کند؛ اما با پرهیز از ارزش‌های نظام اقتصادی فردگرا بر این اعتقاد است که نباید کارکردن او به‌گونه‌ای باشد که وظایف خانوادگی‌اش و ارزش خانواده رها شود و از بین برود.

فوزی فلسفه پیشنهاد اصل ۱۲۷ را استقلال اقتصادی، ریشه‌کن کردن فقر و تأمین نیازهای انسانی برشمرد. با این حال، وی ارتباط منع انحصار و احتکار و اسراف و تبذیر را با موضوع پرسید که نائبرئیس پاسخ داد: «از عوامل کاهش فقر است.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۵۰-۲/۱۴۴۹) نوربخش که در زمره کنشگران چپ‌گرا بود، پیشنهادی برای جایگزین کردن مفاد اصل مزبور ارائه داد. مطابق پیشنهاد وی برنامه‌ریزی اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کلیه بخش‌ها بایستی در راستای عدم وابستگی اقتصادی و سیاسی و خودکفایی در بخش کشاورزی، دامپروری و صنعتی باشد. وی بر این باور بود که «در نظام سابق سرمایه در جهت وابستگی بود اما اکنون این‌گونه نمی‌خواهیم.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۵۳) بهشتی نیز با تأکید بر اینکه اگر تولید داخلی بالا رود، استقلال اقتصادی تأمین می‌شود، معتقد بود: «اگر کار مولد ایجاد شود، انگیزه نیز به‌وجود می‌آید و همین امر



سبب‌ساز استقلال اقتصادی کشور می‌شود.» بر اساس دیدگاه انقلابی ایشان، «اگر جامعه اسلامی است، باید وضع موجود دست بخورد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۵۸) به باور فوزی «اولویت کار باید برای بیکاران تعیین شود ... چنانچه امکانات بیشتری فراهم شود، داوطلبان بعدی پذیرفته گردند.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۵۹)

رشیدیان ضمن اشاره به نقش پدری حکومت در اقتصاد و مترقی بودن اصل اسلامی مزبور (۱۲۷) برای باور بود: «وسایل و ابزار کار بایستی در اختیار کارگران و کشاورزان قرار گیرد و در این وضعیت است که کارگر و کشاورز ایرانی نیروی کار خود را در اختیار ثروتمند مرفه نمی‌گذارد و ریشه استثمار از بین می‌رود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۵۹) عضدی بند دوم اصل فوق را برای بیرون رفتن از اقتصاد سرمایه‌داری معرفی کرد و راهی برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از استثمار به شمار آورد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۱/۲)

موسوی اردبیلی نیز همچون عضدی گفت: «اصل ۱۲۷ برای مبارزه با استثمار است.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۶۳)

گرچه بنی‌صدر گاه، نگاه و توجهی به اقتصاد خصوصی دارد؛ اما بادقت در اظهاراتش، اغلب برداشت‌های جمع‌گرا قابل استنباط است. وی اعتقاد دارد که: «دولت باید برنامه‌ای برای اقتصاد داشته باشد و ضابطه این برنامه اقتصادی بر اساس استقلال اقتصادی و تأمین کار است.» طبق قرائت ایشان، «بایستی با آن دید اقتصادی که ضابطه تعیین فعالیت‌های اقتصادی را قیمت موجود در بازار جهانی (اقتصاد بازار آزاد) تلقی می‌کرد، خداحافظی کنیم.» همچنین وی، «اعمال سیاست دستمزد توسط دولت را موجب ثبات و عدم تحرک نیروی کارگر می‌انگاشت» و معتقد بود که «از پیش‌شرط‌های حضور کارگران در مناطق روستایی و عدم مهاجرت، تأمین ابزار کار در مناطق روستایی و بخش‌های دیگر است.» بنی‌صدر صراحتاً با اشاره به اینکه پول نفت متعلق به عموم است و بایستی در اختیار همه به‌صورت ابزار و زمین قرار گیرد، گفت: «نمی‌توانیم چیزی که به عموم تعلق دارد، بدهیم به دست عده‌ای سرمایه‌دار، برای اینکه نکند دولت یک سرمایه‌دار بزرگ بشود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۶۵-۱۶۳)

بهشتی باور به اداره شورایی کارگاه‌های کار داشت و آن را مفید می‌دانست. ایشان، با وجود آنکه مدیریت اقتصاد توسط دولت را خطرناک می‌انگاشت؛ اما مدیریت دولت که بر اساس مالکیت باشد، خطرناک تلقی نمی‌کرد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۶/۲) از طرف دیگر، یزدی عکس بهشتی بر این اعتقاد بود که: «اصل ۱۲۷ پیشنهادی، دولت را به صورت یک مالک و سرمایه‌دار بزرگ تبدیل می‌کند.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۶۸) به همین سبب بود که بهشتی قید «نه به صورتی که دولت را به صورت یک سرمایه‌دار بزرگ درآورد» به پیشنهاد افزود و تا حدی نظر منتقدان تأمین شد. قیدی که نهایتاً تصویب شد. اگر می‌با رویکردی اجتماع‌گرا در حمایت از کودکان کار سخن گفت و خواهان آن شد تا نفی استثمار کودکان و کسانی که در سن کارگری نیستند، در این اصل افزوده شود. وی پیشنهاد نمود: «کسانی که قادر به کار نیستند، از درآمد عمومی یا انفال امرار معاش کنند.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۷۸) موضوعی که در اصول دیگر قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت و تصویب شد. افزون بر این، دانش‌راد به طور صریح اقتصاد سرمایه‌داری را مورد نقد و رد قرار داد. به گفته او، «شرایط اقتصادی موجود زمینه ایجاد بهره‌کشی را فراهم می‌کند و تأکید کرد که چنین وضعیتی کاپیتال است و مشکل-آفرین شده است.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۷۹) عرب نماینده کارگران مسلمان نیز به نوبه خود در بررسی بند ۴ اصل ۱۲۷ خواهان آن بود که «رضایت کارگر در تنظیم ساعات کار در سراسر مملکت گرفته شود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۸۰)

تسلط نظریاتی که محتوای جمع‌گرای سوسیالیستی داشتند، در مجلس خبرگان قانون اساسی علاوه بر موارد پیشین، در نگرانی‌ها و مثال‌هایی که با مقایسه مهندس و کارگر انجام می‌شد، نمود یافت. نگرانی‌ها از این لحاظ بود که عده‌ای گمان می‌بردند، منظور از شرایط مساوی دستمزد برابر میان مهندس و کارگر است. اما نایب رئیس خیال آنان را آسوده کرد و گفت: منظور این است که هر دو بتوانند به طور مساوی کار پیدا کنند. قیاس مهندس و کارگر و نه تساوی دستمزد، مدعای مذکور را تأیید می‌کند. چون دلیلی وجود ندارد که یک

طرف ماجرا کارگر و طرف دیگر مهندس باشد و سخنی از اشخاص و اصناف دیگر به میان نیاید.

گواه دیگری بر غلبه نظریه سوسیالیسم در قوه مؤسس نظر صریح بنی صدر است. وی به وضوح حقوق جامعه را همیشه مقدم بر حقوق فرد دانست. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۷۳۵/۱) عدم تعدیل میان حقوق فرد و جامعه بی تردید آزادی افراد و نتیجتاً آزادی انتخاب شغل اقتصادی آنان را خدشه دار می کند و از بین می برد. همچنین استفاده از واژه «مالکیت شخصی» در اصل ۴۷ قانون اساسی که در ترمینولوژی جمع گرایان ناظر بر مالکیت به اندازه نیاز فرد و نه غیر محدود است در کنار واژه «مالکیت خصوصی» در اصل ۴۴ که قید نیاز فرد را ندارد، می تواند اماره ای بر نفوذ ادبیات جمع گرایان در متن قانون اساسی باشد.

عده ای از مقننان اساسی دیدگاه های تلفیقی درباره نظام های اقتصادی بیان کردند. به گونه ای که دو نوع از اقتصادها را با غلبه یکی بر دیگری در خود جای می داد. هاشمی نژاد ضمن حمایت از مستضعفین و عدل به عنوان خط مشی و رد رابطه ظالمانه استثماری بین کارگر و محصول کار، مالکیت خصوصی را پذیرفت. اما به گمان او «باتوجه به اینکه بافت جامعه سرمایه داری است، چون مالکیت تعاونی موجب جذب سرمایه ها می شود، سرمایه دارها می توانند شرکت تولیدی در این بخش تشکیل دهند.» ایشان در ادامه اعتقاد به تحدید مالکیت خصوصی داشت، چون مالکیت بدون هیچ قید و شرطی در اصل ۱۲۷/۴ آمده است. بدین ترتیب، وی با اشاره به اینکه نباید روابط اقتصادی گذشته تثبیت شود، سرمایه داران را نامشروع می پنداشت و باورمند به جلوگیری از سرمایه گذاری تعاونی بود. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۲/۲) روشن است که غلبه نگرش سوسیالیستی در سخنان وی بسیار غلیظ است، گرچه مالکیت خصوصی را به طور حداقلی و محدود پذیرفته است. دیدگاه مارکسیستی دیگری که مالکیت فرد را مورد نفی قرار می داد، اصل خدامالکی بود. مطابق این دیدگاه مالکیت تنها از آن خداوند است و فرد نمی تواند مالک اصلی باشد. عضدی نماینده ای است که چنین نظری دارد. وی با اشاره به

شکست سیاست‌های اقتصادی روسیه، مطالبه خروج فعالیت‌های کشاورزی و دامداری از شمول اصل مزبور را مطرح نمود. همچنین خواستار آن شد تا «بازرگانی خارجی به دست دولت باشد و مالکیت گروهی و شورایی به جز صنایع اساسی مادر به رسمیت شناخته شود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۳۳) نیز، رشیدیان ضمن دفاع از اصل خدامالکی گفت: «مصالح عمومی بایستی رعایت شود چون مالکیت در اسلام موضوعی مشروط است و باید حق بهره‌برداری و مالکیت اعتباری متعلق به همه مسلمانان (نه فقط ایرانیان) باشد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۷-۲/۱۵۳۶) دانش‌راد هم معتقد بود: «امور اقتصادی از جمله بازرگانی خارجی، کشاورزی، آبیاری، صنعت، سدسازی و طرح‌های بزرگ آبیاری در حیطه صلاحیت و نظارت دولت است» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۳۸).

نگرشی که متمایل به نظام اقتصادی جمع‌گرا بود، بعضاً ماهیت انقلابی و اسلامی نیز داشت که توسط نائب رئیس بارها بیان شد. وی در اظهار این ماهیت انقلابی، ضمن خطاب قراردادن مخالفان در طی بررسی و بحث اصل ۱۲۷ پیشنهادی، گفت: «اگر می‌خواهید این انقلاب به نتیجه خوبی برسد، بیش از هر چیز باید اجرای همه قوانین انقلابی از راه قدرت قانونی و قدرت انقلابی و با نظم الهی انقلابی و انقلابی الهی اسلامی صورت بگیرد» در این دیدگاه، نگرش انقلابی بسیار هویدا است. تقریباً همه چیز انقلابی ترسیم شده است. قوانین، قدرت و نظم الهی خصوصیت انقلابی دارند. قدرت قانونی هم جنبه ابزاری دارد برای تحقق انقلابی الهی اسلامی. علاوه بر این، ایشان در فراز دیگری از سخنان خویش در پاسخ به حجتی کرمانی که هدف از اصل ۱۲۷/۴ چیست، گفت: «می‌خواهیم انقلابی عمل کنیم» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۳ و ۱۵۲۰).

حجتی کرمانی مقنی است که صریحاً از عدالت اجتماعی سخن گفت و ضمن پذیرش حقوق و آزادی‌های فردی بر این باور بود که چنانچه آزادی فرد به عدالت اجتماعی لطمه بزند، بایستی به نفع عدالت اجتماعی کنار گذاشته شود. وی به‌طورکوبنده، فئودالیسم و سرمایه‌داری را در نظام اقتصادی جدید محکوم کرد. اما مکارم شیرازی در پاسخ وی گفت: همان‌طور که سرمایه‌داری محکوم است، سوسیالیسم هم محکوم است. نوربخش نیز با

اتخاذ موضعی رادیکال، خردکردن سرمایه‌گذاری وابسته را از نان شب هم واجب‌تر برای ملت می‌دانست. او بی‌پرده گفت: کارخانجاتی که ما را به خارج وابسته می‌کردند، نباید به دست صاحبانش بیفتند و باید تحت نظارت دولت باشد تا بخش خصوصی. با وجود این‌ها، بهشتی ضمن دفاع از بخش تعاونی عبارت «قید سرمایه دولت» را حذف کرد تا نظر منتقدان اصل ۱۲۷/۴ تأمین شود و البته چنین هم شد. به‌هر تقدیر، اقتصاد ایران اصولاً به اقتصادی دولتی و تعاونی مبدل گردید و بخش خصوصی هم با قید، مکمل آن دو بخش و با مخالفت سنت‌گرایان موافق بازار، به رسمیت شناخته شد. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۵۰/۲-۱۵۵۱ و ۱۵۴۷ و ۱۵۴۳ و ۱۵۴۱)

## ۶. برآیند و تطبیق دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی با نظام اقتصادی جمع‌گرا

اهل حقوق اساسی آگاهند که هدف بنیادین و تجلی ثمره قانون اساسی تنظیم و تحدید قدرت دولت به معنای عام و تصریح و تضمین حقوق و آزادی‌های گوناگون شهروندان است. با وجود این، به نظر می‌رسد قانون‌گذاران اساسی در اصل ۴۴ گستره اقتصاد دولتی را به طرز حداکثری توسعه داده است به نحوی که تنظیم و تحدید قدرت دولت قابل تحقق نیست. همچنین با تحدید حقوق ناشی از اقتصاد دولتی - که باید مکمل اقتصاد دولتی و تعاونی باشد - تضمین حقوق مردم را به تحدید بسیار و تخدیش مواجه ساخته است، هرچند که در اصل ۴۳ کنونی، با رویکردی پارادوکسیکال دولت را در موضوع خاص: تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از حالت سرمایه‌دار و مالک بزرگ خارج ساخته است. با وجود آنکه قید متعلقات اقتصاد دولتی در اصل ۴۴ «به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.» نگارش شده اما عملاً آنچه تاکنون در عرصه اقتصاد رخ داده است، گستردگی روزافزون اقتصاد دولتی از یک طرف و برخورد اقتصاد دولتی با لحظه حقیقت و زمین واقعیت که به خصوصی‌سازی‌های متکثر و فراوان منجر شده، از طرف دیگر، رویکرد قانون‌گذاران اساسی از جنبه تئوریک قانون اساسی و از جنبه اعمال نظام اقتصادی، با چالش مواجه شده است. بدین ترتیب، رویکرد

اصلی و گفتمان بنیادین حاکم بر نگرش مقننان اساسی نظام اقتصادی جمع‌گرا است و آن‌طور که در بند هفتم آمده، گاه به علت مدنظر قرار دادن دین اسلام و فقه تشیع به منزله اصل راهبردی تقنین، گاه این گفتمان نزدیک به اقتصاد اسلامی می‌شود.

## ۷. ارکان نظام اقتصادی اسلامی

در این مقاله نظام اقتصادی اسلامی بدین معناست که مبانی زیرساختی اصول اقتصادی قانون اساسی از یک‌طرف، بر پایه نظریاتی که به جامعه و اقشار و طبقات آسیب‌پذیر و محروم توجه دارند، پی‌ریزی شده و از طرف دیگر، آموزه‌های دینی و فقهی مربوط به اقتصاد و کار اقتصادی یکی از بنیادهای نظری اصول اقتصادی قانون اساسی را ساخته است. همچنین در این شیوه اقتصادی دولت اسلامی به طرز چشمگیری در اقتصاد و تقسیم و توزیع ثروت و کار بر اساس مبانی فوق مداخله می‌کند. (زراء نژاد، ۱۳۸۳: ۸) این مبنا ناشی از فلسفه وجودی دولت در دین اسلام است که هدفش برقراری عدالت اجتماعی است و از این لحاظ اقتصاد اجتماعی اسلامی کاملاً منطبق با نوع اقتصادی مدنظر مقننان اساسی است. در این راستا، برخی از محققان معتقدند که تشکیل دولت اسلامی پیش‌شرط هرگونه اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود. (خلیلی، ۱۳۸۹: ۷۴۷-۷۴۵) امری که قانون‌گذاران اساسی با تشکیل حکومت دینی در قالب حقوقی بدان دست یازیدند. گرچه این نوع نظام اقتصادی به سبب شرایط مقطع منتهی به انقلاب اسلامی نظیر وضعیت پس از انقلاب سفید و دگرگونی‌های شبه‌غربی و اصلاحات ارضی و صنعتی شدن و نیز بسیج توده‌ها برای انقلاب برای نیل به جامعه‌ای آرمانی مذهبی و اجتماع‌گرا به ظهور رسیده باشد. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۷۹)

## ۸. بررسی دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی درباره اقتصاد اسلامی

به تبع اسلامی‌سازی نظام حقوقی - سیاسی جدید، خواست برپایی و استقرار نظام اقتصادی اسلامی در مجلس مؤسسان بسیار غلیظ جلوه می‌نمود. با وجود این، گرچه گرایش به اقتصاد اسلامی غلیظ بود، لکن خبرگان قانون اساسی برداشت‌های گوناگونی

از این نوع اقتصاد بیان می‌کنند و مفهوم واحد و منسجمی در نظر نداشتند و اغلب به ذکر کلیات اکتفا کردند.

بند دوازدهم اصل چهارم پیش‌نویس، وظایف بنیادین دولت را در زمینه اقتصاد معین کرده و او را مکلف به یکی از اساسی‌ترین نگرش‌های اقتصادی جمع‌گرایانه کرده بود. مطابق بند دوازدهم، دولت موظف است تا اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع هر نوع فقر و محرومیت پی‌ریزی نماید. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲۹۹/۱-۲۹۷)

اصل ۱۲۷ پیشنهادی، ظاهراً در شمایل قانونی جهانی تدوین و تنظیم شده بود، به همین سبب مکارم شیرازی و هاشمی‌نژاد تذکر دادند که این قانون چون متأثر از مذهب رسمی کشور و فقه است، بایستی و حتماً شکل قانون ایران پیدا کند و کلمه ایران اضافه شود، در حالی که به صورت قانونی جهانی درآمده است. به همین علت، نایب‌رئیس با اشاره به اینکه ما به دنیا معیاری جهانی عرضه می‌کنیم، از این موضع کوتاه آمد و پیشنهاد آنان را پذیرفت. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۴۹/۲) اکرمی در مقام تعریف اقتصاد اسلامی بعد از پیشنهاد اصل ۱۲۷ معتقد است: اقتصاد اسلامی نه کاپیتالیستی است و نه کمونیستی. به باور ایشان، عده‌ای از زرداران و سرمایه‌داران که انقلاب منافع آنان را برهم زده است، این ترس و واهمه را ایجاد می‌کنند که اقتصاد نوین، اقتصادی کمونیستی است. اما ما نباید از آنان ترسی داشته باشیم. گرمی در پاسخی انتقادی به ایشان می‌گوید: «ما تنها از قواعد علمی اسلامی اطاعت خواهیم کرد اما وی (اکرمی) خواهش می‌کند که از فقه دست بکشیم.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۴۷-۱۴۴۶)

پرورش از جمله خبرگانی است که اقتصاد جمهوری اسلامی را همان اقتصاد اسلامی می‌داند که باید بر اساس ضوابط اسلامی باشد و خواهان آن است که سرمایه‌های کاذبی که در دوره جاهلیت شاهنشاهی بهره‌برداری شده، شکسته شود. ولی بهشتی اعتقاد داشت که اقتصاد جمهوری اسلامی مترادف با اقتصاد اسلامی نیست. فوزی نیز معتقد بود:

«اصول اقتصادی قانون اساسی باید بر اساس موازین شرع باشد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۵۸ و ۱۴۵۲)

گلزاده غفوری عضو حقوق‌دان مجلس مؤسسان، مقنی است که برداشتی آزادی‌گرا از اصول اقتصاد اسلامی دارد. ایشان بر این باور است که محتوای اصول اسلامی اقتصاد، تأمین آزادی انسان‌هاست و جزئی از اهداف اسلامی نظام جدید به شمار می‌رود. اما کیاوش با بیان قرائتی ارزش‌گرا، پیشنهاد افزودن سیر تکاملی مادی و معنوی را داشت تا «نقد برخی از خبرگان مبنی بر مارکسیستی بودن عبارت «جریان رشد» مرتفع شود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۵۰)

برخی از قانون‌گذاران اساسی با وجود اینکه تأکید بر خواست اقتصاد اسلامی داشتند، به بیان نظراتی پرداختند که نزدیک به مفاهیم سوسیالیستی یا خصوصی بود. به تعبیری دیگر، به طور ناخواسته به سمت اقتصاد جمع‌گرا یا فردگرا سوق پیدا می‌کردند. رشیدیان ضمن اشاره به نقش پدری دولت اسلامی در اقتصاد و متری بودن اصل اسلامی مزبور (۱۲۷) بر این باور بود که وسایل و ابزار کار بایستی در اختیار کارگران و کشاورزان قرار گیرد و در این وضعیت است که کارگر و کشاورز ایرانی نیروی کار خود را در اختیار ثروتمند مرفه نمی‌گذارد و ریشه استثمار از بین می‌رود. اضافه بر این، اظهارات موسوی اردبیلی گواه آشکاری بر این ادعا است. وی معتقد بود: «اصل ۱۲۷ برای مبارزه با استثمار است اما طوری تنظیم شده است که مطابق موازین اسلامی نیز باشد» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۲ و ۱۴۵۹)

مستند دیگری که مدعای تکثر در برداشت‌های خبرگان قانون اساسی را تأیید می‌کند، دیدگاه‌های اقتصادی بهشتی است که به تفصیل و شفاف در دفاع از اصل ۱۲۷ پیشنهادی سخن گفت. ایشان از یک سو، نظام اقتصادی جدید را اسلامی (و نه سوسیالیسم و نه مارکسیسم و نه کاپیتالیسم) تلقی می‌کرد که براساس تجربه‌های سایر جوامع با ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و صنعتی انجام شده است و پایه اقتصاد را اسلامی و نظام اقتصادی جدید را منطبق با اسلام می‌دانست (برخلاف کسانی که معتقد بودند، اقتصاد نوین همان



اقتصاد اسلامی و در جزئیات نیز اسلامی است) از سوی دیگر، نائبرئیس، گرایش شدیدی به اداره شورایی کارگاه‌های کار داشت و آن را مفید می‌دانست. هدفی که در بند دو اصل ۱۲۷ پیشنهاد شده بود. همچنین ایشان، باوجود آنکه مدیریت اقتصاد توسط دولت را خطرناک می‌دانست اما مدیریت دولت که مالک سرمایه و کار باشد، خطرناک تلقی نمی‌کرد. دو دیدگاه اخیر در راستای اقتصاد جمع‌گرا یا دولتی محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، بهشتی شورایی بودن اداره کارگاه‌ها را نوعی عدم تمرکز و سپردن کار به مردم و نیز موجب آزادی انسان در انتخاب کار خویش قلمداد می‌کرد. روشن است که این دو نظر به‌طور غیر مستقیم به اقتصاد خصوصی متمایل می‌شود. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۶۷/۲-۱۴۶۶) ایشان در ادامه‌ی اختلاف دیدگاه بر سر اصل پیشنهادی مذکور، به‌طور آشکارتر، قرائت خود را از نظام اقتصادی اسلامی بیان نمود. به باور وی، بند دوم این اصل، سرمایه‌داری خلاف اسلام را قاطع‌تر نفی می‌کند. بهشتی با اشاره تلویحی به معتقدان متمایل به اقتصاد خصوصی افزود: عده‌ای می‌گویند که سرمایه‌داران با این حرف‌ها می‌رنجند. خیر باید سرمایه‌شان را بگذارند و خودشان بروند. مگر می‌شود کسی که مومن به انقلاب است، سرمایه‌دار هم باشد؟ لکن از سوی دیگر وی اقتصاد اسلامی را باعث آزادی فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی قلمداد می‌کرد، به‌گونه‌ای که فاصله‌های کشنده میان زندگی و درآمد نباشد. همچنین ابوالحسن شیرازی در راستای خواست اقتصاد اسلامی اما با نگاهی جمع‌گرا پیشنهاد اخذ مالیات اسلامی دوگانه از ثروتمندان را ابراز نمود (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۷۷/۲-۱۴۷۴).

علاوه بر این‌ها، مقننان اساسی به مالکیت خصوصی نیز از منظر اسلامی می‌نگریستند. ربانی املشی فعالیت بخش خصوصی را تا آنجا مجاز می‌دانست که نظام اقتصادی اسلام را آن‌طور که اسلام می‌خواهد برهم نزنند والا حکومت جلو او را خواهد گرفت. اشراقی نیز مالکیت در اسلام را نامحدود می‌دانست و به خبرگان توصیه کرد که نترسید و صراحتاً در قانون اساسی بنویسید. زیرا جماعت دیگری نیز (مدافعان اقتصاد خصوصی) به ما اعتراض خواهند کرد. لکن هاشمی‌نژاد مالکیت در اسلام را محدود تلقی نمود. عده‌ای دیگر،

باورمند به درج تصویب رهبر یا ولایت‌فقیه، در پذیرش مالکیت در قانون اساسی بودند تا آن را به‌گونه‌ای مشروط و مقید نمایند. پیشنهادی که مورد موافقت سایر خبرگان واقع نشد. از سوی دیگر، صافی مالکیت دولتی را نادرست و خلاف‌شرع می‌شمرد. به گفته او: «اگر اسلام را بنویسید و عرضه کنید مشکلات مرتفع می‌شود.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۴۳ و ۱۵۴۸-۱۵۴۰).

بدیهی است که اقتصاد اسلامی جنبه ارزش‌گرایانه نیز دارد. این جنبه در بند چهار پیشنهادی خود را نشان داد. طبق بند مذکور تنظیم برنامه‌های اقتصادی کشور باید به نحوی سامان یابد که فرصت کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور نیز برای افراد وجود داشته باشد. قسمت اخیر این بند مورد مخالفت برخی از خبرگان واقع شد. خزعلی پیشنهاد داد که بخش اخیر به شرکت فعال در پیشبرد کشور تغییر یابد. سید محمد خامنه‌ای اما قرائتی متفاوت از رهبری داشت. وی در راستای تشریح برداشت خویش از نقش رهبری در تنظیم برنامه‌های اقتصادی کشور و نقد برداشت‌های دیگر از رهبری گفت: رهبری فقط در رأس امور است و شرکت فعال در رهبری را شرکت در سیاست عمومی به اقتضای مسئولیت اجتماعی می‌دانست که توسط شوراهای در سطوح پایین انجام می‌شود. با وجود این انتقادات، نایب‌رئیس برداشتی متعارف و معقول از رهبری داشت. بر اساس برداشت ایشان، بهترین نوع رهبری بدین معنا است که هر انسانی قادر باشد در امامت و رهبری جامعه سهمی ایفا نماید و فرد یا گروه در رأس جامعه باید بازگوکننده آرمان مردم باشند. بر همین اساس، این اصل اقتصادی درست در جهت امامت اسلامی اصیل تهیه شده است. عرب نیز به نوبه خود خواهان مشخص شدن ساعات کار کارگران در بند مزبور شد و با نقدی تند و ارزش‌گرا به کارفرمایان گفت: «تصور نکنیم همه ابوذر و سلمان شده‌اند و افرادی که انسانیت را بر مبنای اقتصاد می‌شناسند تا بخواهند اصلاح شوند، خیلی طول می‌کشد.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۴۸۴-۱۴۸۱) طاهری گرگانی با نگرشی فقه محور به لزوم دخالت آمرانه حاکم (حاکمیت) تصریح می‌کند. چون «در بعضی موارد نیازهای اجتماعی که در قلمرو واجبات کفایه هستند،

حاکم قادر است اجبار نماید.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۴۸۴) مفهوم مخالف سخن وی این است که در کلیه یا اغلب موارد افراد حق انتخاب شغل ندارند. بلکه احتمالاً به طور نسبی و محدود حق انتخاب شغل دارند. گرچه این دیدگاه پذیرفته نشد؛ اما این اجبار قطعاً با آزادی انتخاب فعالیت اقتصادی افراد و انجام آن مغایرت دارد. چون ممکن است، مقامات حکومتی آشکارا در قلمرو اقتصادی افراد ورود کنند و موجب محدودیت و حتی سلب شغل و فعالیت آنان شوند. مخصوصاً با توجه به اینکه نیازهای اجتماعی دقیقاً مشخص نشده است که چیست و اجبار حاکم جنبه استثنا بر قاعده نیست و نسبی است.

مستند دیگری که مبین وجود پررنگ اقتصاد اسلامی، که آمیخته با بعضی از دیدگاه‌های جمع‌گرایانه بود، پیشنهاد و تصویب قواعد بنیادینی نظیر: بازگشت ثروت‌های نامشروع به بیت‌المال، منع اضرار به غیر، و احتکار و ربا، منع اسراف و تبذیر در همه شئون اقتصاد است که مورد تأیید و تأکید دین اسلام و فقه شیعی قرار گرفته. با وجود اینکه موارد فوق در نهایت تصویب شد؛ اما با نقد اشراقی نماینده حزب چپ‌گرای جمهوری خلق مسلمان مواجه گردید. وی بر این باور بود که: «منع اسراف و تبذیر جلوی کارکردن مردم را می‌گیرد و اسباب دردسر می‌شود» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۰۱ و ۱۴۸۷)

یکی دیگر از چالش‌برانگیزترین اصول اقتصادی پیشنهادی که تقریباً گرانگه اختلاف دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی در خصوص نوع نظام‌های اقتصادی به‌ویژه اسلامی و دولتی را نمایان ساخت، اصل ۱۲۷/۴ بود. اصل مذکور اقتصاد ایران را به سه بخش اصلی: دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کرد. یکی از خبرگان نگران غیر اسلامی شدن احتمالی اقتصاد ایران بود و به همین سبب، پیشنهاد داد تا عبارت: «مالکیت... تا جایی که از محدوده قوانین اسلامی خارج نشود» افزوده شود که مورد موافقت مقننان واقع شد و اکنون در اصل ۴۴ قانون اساسی متجلی است. ربانی املشی و موسوی زنجانی پیشنهاد دادند که مفاد این اصل با موازین عدل اسلامی منطبق باشد. اشراقی با اشاره به خبرگانی که در تأیید این اصل به اقتصاد کشورهای خارجی استناد می‌کردند و اسلامی نبودن مفاد

اصل پیشنهادی، گفت: «در خارج به اسلام و قوانین عمل نشده است و بی سر و سامانی- های زیادی ما داریم... اینها هیچکدام راجع به قانون و شرع اسلام نیست.» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۱۵۳۹-۱۵۳۸).

برخی از قانون‌گذاران اساسی، در نقد اصل ۱۲۷/۴ اصل خدامالکی را پیش کشیدند که با نقد مکارم شیرازی روبرو شدند. وی از منظر دینی معتقد بود که خدا-مالکی ولایت تکوینی و مختص خداوند است اما موضوع این اصل مالکیت تشریعی اعتباری و قراردادی است. همچنین وی، «فلسفه اصل مذکور را نگارش اقتصاد اسلامی قلمداد کرد. اقتصادی که نه سرمایه‌داری غربی باشد و نه سوسیالیسم شرقی. غرض از این اصل زیربنایی، اقتصاد اسلامی کشور است و اگر از این موضوع بگذریم ممکن است کسانی اقتصاد مملکت را به این سمت یا آن سمت بکشانند» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۴۵). بهشتی نیز در تأیید اصل پیشنهادی، معتقد بود «نظام جدیدی به وجود می‌آوریم که در آن مالکیت خصوصی در اسلام است نه نظام فاسد امروز» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۴۷). منتظری در تأیید این نظرات گفت: «اینکه ما در اسلام برنامه اقتصادی داریم شکی نیست» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۴۹). همچنین، به باور حجتی کرمانی: نظام سرمایه-داری را به ضرورت فقه اسلام و اتفاق علما و با نظر کارشناس اقتصادی لغو است... اقتصادی که مضر است، به حکم اسلام باید نفی شود» (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴: ۲/۱۵۵۱).

## ۹. برآیند و تطبیق نگرش مقننان اساسی به اقتصاد اسلامی

با تأمل و مذاقه در سخنان فوق پرواضح است که خواست نظام اقتصادی اسلامی با برداشت‌هایی دو یا چندگانه است. به تعبیری بهتر، افزون بر آنکه تعریف منسجم و واحدی از اقتصاد اسلامی در نگرش خبرگان وجود نداشت، اقتصاد اسلامی شامل رگه‌های قدرتمندی از اقتصاد جمع‌گرا یا فردگرا نیز می‌شود. از سوی دیگر، آشکار است که برداشت اسلام‌گرا از نظام اقتصاد جنبه ارزش‌گرایانه نیز دارد. از طرف دیگر، مقننان اساسی رویکردی جمع‌گرا و دولتی به اقتصاد داشتند و در عین حال به سوی اقتصاد اسلامی متمایل

می‌شدند. به نظر می‌رسد، چنین تناقضی از یک طرف به سبب عدم آشنایی دقیق و جامع برخی از آنان با مکاتب اقتصادی مذکور و نیز ناشی از تمسک خبرگان قانون اساسی به دین اسلام و موازین و احکام فقهی در ایجاد نظام سیاسی و حقوقی جدید بود.

### نتایج پژوهش

از مقاله حاضر نتایج و تفسیرهای زیر قابل بیان است:

نخست اینکه در مجموع، با استفاده از روش تفسیر ژنتیک، استنتاجی که از مذاکرات خبرگان قانون اساسی و نیز اصول مصوب نهایی (به‌ویژه اصل ۴۴ کنونی) می‌توان داشت، این است که رقابت آزاد اقتصادی و آزادی‌های خصوصی اقتصادی به طور حداقلی در نهاد مؤسس مورد پذیرش واقع شد. همچنین، گرچه خبرگان قانون اساسی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی یا مارکسیستی را صراحتاً رد نمودند اما در عمل گفتمان اصلی حاکم بر مجلس خبرگان گونه‌ای از نظام اقتصادی دولتی و جمع‌گرایانه یا نزدیک به آن بود که در دل خود نظام اقتصادی انقلابی-اسلامی را نیز جای داد که می‌توان آن را نظام اقتصادی با خصلت انقلابی و اسلامی و با محتوای دولتی (نزدیک به مکاتب جمع‌گرایی) نامید. یعنی مبانی زیرساختی اصول اقتصادی قانون اساسی از یک طرف، بر پایه نظریاتی که به جامعه و اقشار و طبقات آسیب‌پذیر و محروم توجه دارند، پی ریزی شده و از طرف دیگر، آموزه‌های دینی و فقهی مربوط به اقتصاد و کار اقتصادی یکی از بنیادهای نظری اصول اقتصادی قانون اساسی را ساخته است، امری که قانون‌گذاران اساسی با تشکیل حکومت دینی در قالب حقوقی بدان دست یازیدند.

دوم اینکه گاهی مواقع، اهداف و مبانی که در نظام‌های اقتصادی فردگرا یا جمع‌گرا وجود داشت، توسط خبرگان قانون اساسی به شکلی دیگر ابراز می‌شد؛ اما آنان نظام‌های اقتصادی فوق را در کلیت آن‌ها نفی می‌کردند. به دیگر سخن، گاه گرایش‌های جمع‌گرا و دولتی ابراز می‌کردند و درعین حال به سوی اقتصاد اسلامی سوق پیدا می‌کردند. به نظر می‌رسد، چنین پارادوکسی از یک طرف به سبب عدم آشنایی دقیق و جامع برخی از آنان با مکاتب اقتصادی مذکور و نیز حساسیت جو انقلابی آن دوران نسبت به مکاتب فکری

لیبرالیسم و مارکسیسم و از طرف دیگر ناشی از تمسک خبرگان قانون اساسی به دین اسلام و موازین و احکام فقهی در ایجاد نظام سیاسی و حقوقی نوین و تبعاً اسلامی سازی کلیه عرصه‌های زندگی ایرانیان باشد.

سوم اینکه از مجموع گفتارهای مقننان اساسی قابل استنباط است که نظریه واحد و دقیق و منسجم و شفاف از مفهوم اقتصاد اسلامی در مجلس خبرگان قانون اساسی وجود نداشت و حتی واژه "اقتصاد اسلامی" در نص قانون اساسی به کار نرفت. آنان اغلب به ذکر دیدگاه‌هایی کلی در خصوص اقتصاد اسلامی اکتفا کردند یا از اقتصاد در اسلام یا اسلامی سازی اقتصاد سخن گفتند. به دیگر سخن، آنچه در خصوص اقتصاد اسلامی یا اسلامی بودن اقتصاد در مجلس مؤسسان گفته شد، نوع مشخص و تجربه شده‌ای از اقتصاد نبود، بلکه گفتارهای پراکنده‌ای بود که به صورت برداشت‌های مختلف و متنوع مقننان اساسی در مورد اقتصاد جدید جلوه گر شد.

چهارم اینکه درون مایه متن قانون اساسی بایستی به نحوی سامان یابد که با ذکر قواعد و حقوق بنیادین، دارای کارکرد روزآمدسازی و تطبیق با موقعیت‌ها و شرایط عرفی و روز را داشته باشد. این مهم به‌ویژه در خصوص اصول اقتصادی قانون اساسی کاربرد دارد. اصول اقتصادی قانون اساسی به طور خاص - اصول ۴۴ و ۴۳ - به گونه‌ای تنظیم یافته است که قابلیت فوق را به منصفه ظهور نمی‌رساند. به همین علت، شاید در راستای گشایش این بن‌بست، سیاست‌های کلی نظام در امور اقتصادی و قوانین عادی اصل ۴۴ تفسیر موسعی از اقتصاد خصوصی ارائه داده و دامنه آن را گسترده نموده است. البته این تفسیر در عمل به نقیض اقتصاد خصوصی بدل شده و تجلی گر نسخه‌ای از اقتصاد شده است که خصوصیتی نامیده شده است.

## منابع و مأخذ

- آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۴). تحلیل اقتصادی حقوق اساسی. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- بابایی مهر، علی (۱۳۸۸). تفسیر، اصول و مبانی آن در حقوق عمومی. حقوق خصوصی، ۶ (۱۴)، ۱۹۶-۱۶۷. [https://jolt.ut.ac.ir/article\\_23367.html](https://jolt.ut.ac.ir/article_23367.html)
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳). لیبرالیسم و محافظه کاری. چاپ سیزدهم، تهران: نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۵). آموزش دانش سیاسی. چاپ دوازدهم، تهران: نگاه معاصر.
- پیله فروش، میثم (۱۳۹۴). الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجلس و راهبرد، ۲۲ (۸۲)، ۳۳-۵.
- جعفری صمیمی، احمد؛ زرین اقبال، حسن؛ زیبایی، محمدرضا و درخشانی درآبی، کاوه (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اقتصاد بخش عمومی در الگوی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دولتهای رفاه. پژوهشهای اقتصادی، ۱۶ (۱)، ۷۱-۴۹. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-8447-fa.html>
- حقگو، حسین (۱۳۹۳). اصل ۴۴ چگونه زاده شد؟. گفتگو، ۱۳ (۶۲)، ۶۴-۵۲.
- حیدری، محسن (۱۳۸۳). اصل ۴۴ و سوابق تصویب آن در مجلس خبرگان قانون اساسی. گواه، دوره ۳ (۲)، ۱۰۳-۱۰۱.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۸). شالوده‌شکنی اصل چهل و چهارم قانون اساسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰۳ (۱)، ۶۹-۱۰۳.
- [https://www.ipsajournal.ir/article\\_108.html](https://www.ipsajournal.ir/article_108.html)
- خلیلی، محسن (۱۳۸۹). دولت اسلامی پیش شرط اقتصاد اسلامی/ توسعه اسلامی. مجموعه مقالات دومین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۷۶۴-۷۳۶.
- رحمت‌اللهی، حسین و موالی‌زاده، سید باسم (۱۳۸۹). «از جمع‌گرایی تا فردگرایی: تأملی بر پیامدهای نگرش‌های جمع‌گرا بر قوانین اساسی. حقوق اساسی، ۷ (۱۴)، ۱۱۴-۸۹.
- [https://www.asasimag.ir/article\\_104990.html](https://www.asasimag.ir/article_104990.html)
- رستمی، ولی و قهوجیان، حمید (۱۴۰۱). حقوق مالی و محاسباتی. تهران: انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
- زراء نژاد، منصور (۱۳۸۳). دخالت دولت در نظام اقتصادی از دیدگاه نظام اقتصادی اسلام. بررسی‌های اقتصادی، ۱ (۱)، ۲۲-۱.
- شریف آزاد محمدرضا (۱۳۶۹). بررسی علل شکست اقتصاد مبتنی بر مارکسیسم، (نمونه روسیه سوسیالیستی). آینده‌پژوهی مدیریت، ۲ (۵)، ۴۷-۱۹.
- [https://journals.srbiau.ac.ir/article\\_7294.html](https://journals.srbiau.ac.ir/article_7294.html)
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). جلد اول، دوم و سوم، اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

عدالتجو، اعظم و حسن‌زاده بنام، یاسر (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر مبانی نظری در مداخله دولت در عرصه‌های اقتصادی»، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی اقتصاد خلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، صص ۲۶-۱.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۵). اقتصاد و دولت در ایران. چاپ اول، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

قفل‌ی، محمدوحید (۱۳۸۶). مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران. چاپ اول، تهران: عروج.

کدخدایی، عباسعلی و عباسیان، محبوبه (۱۳۹۹). مبانی نظری عدالت اقتصادی در پرتو کارآمدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق عمومی، ۱۵۰(۱)، ۲۱-۱.

<https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.130784.1096>

گرجی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). نقش افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی در تدوین قانون اساسی. تحقیقات حقوقی، ۲۵(۶۶)، ۸۰-۵۱. [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56319.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56319.html)

مجموعه بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های حزب توده ایران (۱۳۵۸). تهران: انتشارات حزب توده ایران، روزنامه مردم، ۱۳۵۸/۴/۲.

مرکز مال‌میری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها (ویراست دوم). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). نظری به مبانی نظام اقتصادی اسلام. چاپ دهم، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری.

منان، پی‌یر (۱۳۹۴). تاریخ فکری لیبرالیسم. ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ اول، تهران: آگه.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). بررسی روش شکل‌گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد روش جدید. حکومت اسلامی، ۲۱(۸۲)، ۱۸۶-۱۵۹. [https://mag.rcipt.ir/article\\_91445.html](https://mag.rcipt.ir/article_91445.html)

## References

- Aghaei Togh, M. (2015). *Economic Analysis of Constitutional Law*. First Edition, Tehran: Khorsandi Publications. (In Persian)
- Babayi Mehr, A. (2009). Interpretation, Its Principles and Foundations in Public Law. *Private Law*, 6 (14), 196-167. [https://jolt.ut.ac.ir/article\\_23367.html](https://jolt.ut.ac.ir/article_23367.html) (In Persian)
- Bashiriyeh, H. (2014). *Liberalism and Conservatism*. Thirteenth Edition, Tehran: Ney. (In Persian)



- Bashiriyeh, H. (2016). *Political Science Education*. Twelfth Edition, Tehran: Negah-e Moaser. (In Persian)
- Pilehforoush, M. (2015). The Economic Development Model of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Majles and Strategy*, 22(82), 5-33. (In Persian)
- Jafari Samimi, A., Zarrin Iqbal, H., Zibaee, M.R., & Derakhshani Daraabi, K. (2016). A Comparative Study of Public Sector Economy in the Economic Model of the Constitution of the Islamic Republic of Iran and Welfare States. *Economic Researches*, 16(1), 71-49. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-8447-fa.html> (In Persian)
- Haqgoo, H. (2014). How Was Article 44 Born? *Dialogue*, 13(62), 64-52. (In Persian)
- Heidari, M. (2004). Article 44 and Its Legislative History in the Assembly of Experts for the Constitution. *Gavaah*, 3(2), 103-101. (In Persian)
- Khalili, M. (2009). Deconstructing the Forty-Fourth Article of the Constitution. *Political Science Research Journal*, 5(1), 103-69. [https://www.ipsajournal.ir/article\\_108.html](https://www.ipsajournal.ir/article_108.html) (In Persian)
- Khalili, M. (2010). Islamic Government as a Precondition for Islamic Economy/ Development. *Proceedings of the Second Conference on Islamic Economics and Development*, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, pp. 764-736. (In Persian)
- Rahmatollah, H., & Mowlizadeh, S.B. (2010). From Collectivism to Individualism: Reflections on the Implications of Collectivist Views on Constitutional Laws. *Constitutional Law*, 7(14), 114-89. [https://www.asasimag.ir/article\\_104990.html](https://www.asasimag.ir/article_104990.html) (In Persian)
- Rostami, V., & Qahvechian, H. (2022). *Financial and Computational Law*. Tehran: Dadgostar Publications, Second Edition. (In Persian)
- Zaranejad, M. (2004). Government Intervention in the Economic System from the Perspective of Islamic Economic System. *Economic Studies*, 1(1), 22-1. (In Persian)
- Sharif Azadeh, M.R. (1990). Analyzing the Causes of Failure of Marxism-Based Economics (The Case of Socialist Russia). *Future Management Studies*, 2(5), 47-19. [https://journals.srbiau.ac.ir/article\\_7294.html](https://journals.srbiau.ac.ir/article_7294.html) (In Persian)
- Detailed Minutes of the Assembly Examining the Final Draft of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (1985). Volume I, II, and III, Tehran: General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)

- Adalatjou, A., & Hassan Zadeh Benam, Y. (2016). "Investigating the Impact of Theoretical Foundations on Government Intervention in Economic Spheres," in *Proceedings of the First National Conference on Creative Economy*, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran: Islamic Azad University, West Tehran Branch, pp. 1-26. (In Persian)
- Ghani Nejad, M. (2016). *Economy and State in Iran*. First Edition, Tehran: Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. (In Persian)
- Ghofli, M.V. (2007). *The Assembly of Experts and Religious Governance in Iran*. First Edition, Tehran: Arooj. (In Persian)
- Kadkhodaei, A.A., & Abasiyan, M. (2020). The Theoretical Foundations of Economic Justice in the Light of Effectiveness in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Public Law Studies*, 50(1), 1-21. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.130784.1096> (In Persian)
- Gorji, A.A. (2014). The Role of Individuals, Parties, and Political Groups in Drafting the Constitution. *Legal Research*, 25(66), 51-80. [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56319.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56319.html) (In Persian)
- Collection of Statements and Announcements of the Tudeh Party of Iran (1979). Tehran: Publications of the Tudeh Party of Iran, Mardom Newspaper, 24/4/1979. (In Persian)
- Merkez Malmiri, A. (2006). *Rule of Law: Concepts, Foundations, and Interpretations*. Second Edition. Tehran: Research Center of the Islamic Republic of Iran's Parliament. (In Persian)
- Motahari, M. (2001). *A Perspective on the Foundations of the Islamic Economic System*. Tenth Edition, Tehran: Scientific and Cultural Foundation of Martyr Morteza Motahari. (In Persian)
- Manan, P. (2015). *The Intellectual History of Liberalism*. Translated by Abdul Wahab Ahmadi, First Edition, Tehran: Agah. (In Persian)
- Yousefi, A.A. (2016). Examining the Method of Formation of the Economic System of the Islamic Republic of Iran and Proposing a New Method. *Islamic Government*, 21(82), 159-186. [https://mag.rcipt.ir/article\\_91445.html](https://mag.rcipt.ir/article_91445.html) (In Persian)